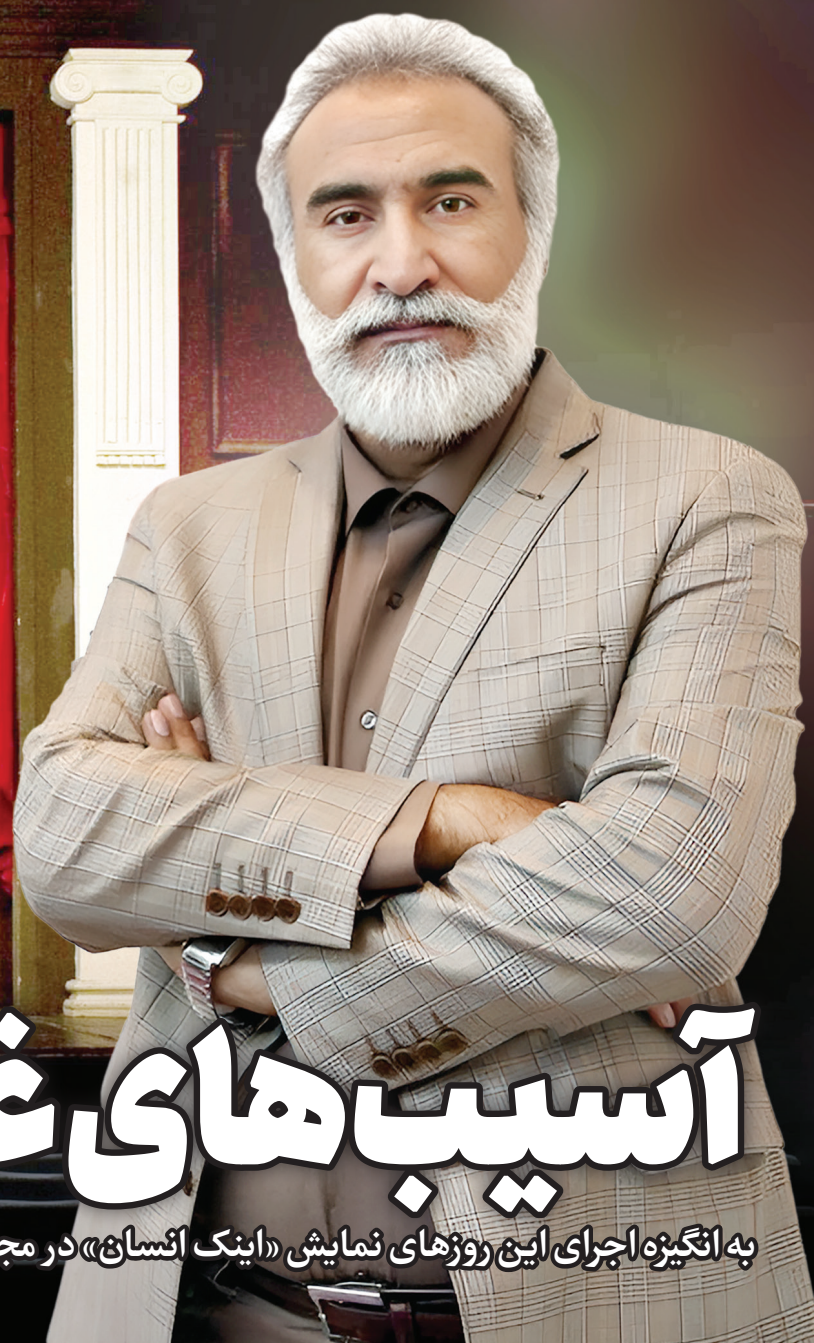


# جایزه

فرهنگی  
روزنامه فرهنگی

## آسیب‌های غفلت از تئاتر دغدغه‌مند

به انگیزه اجرای این روزهای نمایش «اینک انسان» در مجموعه تئاتر شهر با حمیدرضا نعیمی، کارگردان درباره ویژگی‌های این اثر و وضعیت امروز هنر تئاتر گفت‌وگو کرده‌ایم

« صفحه ۱۱

### ما جریان آخرالزمان را راه انداخته‌ایم

در گفت‌وگو با دکتر محمدهادی همایون  
روند «ظهور» را از آغاز تاریخ تا بازه کنونی بررسی کرده‌ایم



« ۸

### شاعرانه‌ای از مادران شهدا

میلاد حاجی پروانه، تهیه‌کننده سریال «آخرین دیدار»  
از نگاه متفاوت به زنان در این سریال می‌گوید



« ۲۱

### باشگاه امید پاتوق نوجوانان

با مجری و تهیه‌کننده برنامه‌ای گفت‌وگو کردیم که خاطرات  
برنامه «نیم‌رخ» دهه ۷۰ را برای مان زنده می‌کند



« ۶۱

#### دیدگاه

علیرضا سرخشیان | نویسنده و فعال فرهنگی

### زن تراز انقلاب اسلامی

سخت چه از نوع نرم بی تفاوت نیست. زن تراز انقلاب اسلامی نسبت به وضعیت و سرنوشت امت اسلامی حساس و دل‌نگران است و به دیگر مسلمانان اهمیت می‌دهد. مگر اخیراً شاهد همدلی زنان‌مان با خانواده‌های مسلمان غزه و لبنان نبودیم که چه حماسه‌ها آفریدند، چه با تظاهرات چه اهدای اموال، جواهرات و زیورات ارزشمندشان. زن تراز انقلاب اسلامی امیدوار است و این امیدواری و امیدبخشی در جوهر وجود او یک ویژگی بسزاست که باعث می‌شود نه فقط خسته و دل‌سرد نشود، بلکه برای آینده بهتر بکوشد. زن تراز انقلاب اسلامی با یاس بیگانه است و ناامیدی در وجود او راهی ندارد. مگر در دفاع مقدس ندیدیم زنانی را که فرزندان و همسران را دشمن به هر شکل نذارود در برابر حمله‌های سخت و نرم روانه جبهه‌ها می‌کردند و حتی جایی که لازم بود مستقیم با تجار و گران بیگانه مقابله کردند. بانوی ایلامی و حماسه‌سازی‌اش را در برابر دشمن یعنی به عنوان یکی از پرشمار نمونه‌های مثال‌زدنی به یاد داریم. زن تراز انقلاب اسلامی به خدا توکل دارد، پس ترس و بی‌روایی از هیچ چیز دیگری جز خدا ندارد. استقامت دارد و هراسی از هجوم دشمن به هر شکل ندارد. در برابر حمله‌های سخت و نرم می‌ایستد. می‌توانیم ده‌ها ویژگی دیگر را از زن تراز انقلاب اسلامی یاد کنیم از نقش تربیتی و پرورشی نسل ما و مهم‌تر از همه آگاهی زن تراز انقلاب اسلامی به نقش مادری‌اش است که در این زمینه با توجه به تعلیمات اسلامی و فرهنگ ایرانی برای کشورش و برای انقلاب اسلامی به انسان‌سازی و سربازپروری می‌پردازد و سلحشوران عارف و عارفان سلحشور می‌پرورد. یادی کنیم فقط از یکی از تجلی‌های چنین زنی در میدان رویارویی با دشمنان، مثلاً در کربلا که در برابر کار تبلیغی و روحیه‌شکن دشمن که سر و هب را به سوی خیمه‌ها و بانوان پرتاب کردند تا روحیه‌شان را بشکنند؛ مادر وهب یک نمونه از پرشمار زنان تراز در تاریخ میهنی و دینی ما آن سر را برمی‌دارد، می‌نوازد و می‌زند سری را که برای خدا داده‌ام پس نمی‌گیرم و وفرا می‌زند سری را که برای خدا داده‌ام پس نمی‌گیرم و با این کار اتفاقاً روحیه دشمن را می‌شکند و هراسان‌شان می‌کند. باید در تولیدات و آثار فرهنگی و به خصوص سینمایی به ارائه روشنگرانه الگوهایی از زن تراز انقلاب اسلامی بپردازیم. ویژگی‌های زن تراز انقلاب اسلامی را باید در تولیدات فرهنگی و سینمایی مطرح و بارها تکرار کنیم تا آن‌ها... در ادامه بتوانیم به جهان‌یان نیز چنین الگویی را ارائه و معرفی کنیم.

پاسداشت زن و نکوداشت مقام مادر را نمی‌توان فقط به یک مناسبت فرخنده یعنی تولد مادر هستی و الگوی پایان‌ناپذیر زنان و مردان ما حضرت فاطمه(س) منحصر دانست؛ به‌ویژه که بنا بر فرمایش مقام معظم رهبری در تمام دوران زندگی‌شان الگوی مردان و زنان بوده و هست. دوران پس از رحلت پیامبر اعظم و دفاع‌شگفت حضرت فاطمه(زهرا(س) از ولایت برای همه ما پیروان آزاده‌ایشان به‌فرموده مقام معظم رهبری چونان مکتبی درس‌آموز و رهنمونی جاودانه به‌شمار می‌آید. هم حضرت امام هم رهبر معظم انقلاب در پاسداشت جایگاه زنان چنین تأکیدی داشته و دارند که اینها انقلاب را به پیروزی رساندند. همچنان‌که سرفرازی ما در دوران دفاع مقدس بدون پشتیبانی زنان ممکن نمی‌شد. زنان ما با تشویق و تهییج مردان و حمایت همه‌جانبه از ایشان توانستند مردان را راهی کف خیابان و جبهه‌ها کنند، یعنی با پشتیبانی تلاش زنان بود که توانستیم انقلاب را با کمترین هزینه به پیروزی برسانیم. همچنان‌که زنان با همان نقش آفرینی محوری و بنیادین در دفاع مقدس به‌گونه‌ای تعیین‌کننده ظاهر شدند که ما توانستیم با دست خالی با وجود حمله و هجوم بین‌المللی به پیروزی دست یابیم. تولیدات فرهنگی و به‌ویژه سینمایی را که می‌بینم، متأثر می‌شوم که به زن الگو، زن اسوه و تراز انقلاب اسلامی ما چندان پرداخته نشده. در خصوص زن تراز انقلاب اسلامی همواره با سکوت یا تحریف و انحراف از اصل در این تولیدات مواجهیم. هرچند در سینمای دفاع مقدس در این خصوص گام‌های مؤثر و مفیدی برداشته شده اما کافی نیست. تولیدات هنری در واقع با همان نگاه مسلط غرب به زن به مخاطبان ارائه می‌شود. چه در دوران جنگ سرد که در رسانه‌های ما زنی تبلیغ می‌شد که در این تولیدات فرهنگی و هنری به سوسیالیسم گرایش داشت و منتقد دین بود، چه اکنون که با تبلیغاتی مواجهیم که با خواشن و برداشت و ارائه تعریفی یکسویه از زن به همان سمت و سوی نگاه غربی پیش می‌رود. به‌نظر می‌رسد نیاز داریم تا اندیشمندان و متفکران ما بیشتر به این مقوله بپردازند که زن تراز انقلاب اسلامی را با ویژگی‌های شایسته‌اش معرفی و با آثار فرهنگی و هنری روشنگرانه ترویج کنند. زن تراز انقلاب اسلامی استیکارستیز است و در خصوص دخالت‌ها و حمله‌های بیگانه چه از نوع



### دست «بلاگرها» را بگیریم!

می‌سازد. امروز بلاگرها در این جهان جدید، با تمام توان کار می‌کنند، تعداد قابل‌توجهی از آنها در این عرصه به فعالیت اقتصادی مشغول هستند و از همین راه، کسب درآمد می‌کنند، تعدادی دیگر که پرشمار نیز هستند، با چندین و چند هدف و فکر و ذهنیت، با فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی عقد اخوت بسته، به‌طوری که در عده‌ای وابستگی خبری و اطلاعاتی به اینترنت و مشتقات آن را وابستگی عاطفی در یک سطح و اندازه می‌بینیم که در این مسیر هر اتفاقی می‌تواند بیفتد، مثلاً؛ وارونه‌سازی حقایق و واقعیت‌ها، فریب مخاطب، تحقیر یا تسخیر شخصیتی ... و بلاگرها به‌ویژه نوجوانان و جوانانی که به‌کرات، به تولید کلیپ، فیلم، موسیقی و ... با درونمایه و موضوعات اجتماعی، تبلیغاتی، طنز و ... می‌پردازند و به مدد این فضا؛ فکر، نگاه و سلیقه خود را عرضه می‌کنند، پذیرفته‌اند [در عمل باید این‌طور باشد] که اولاً رسانه‌هایی غیررسمی را برای فعالیت خود انتخاب کرده‌اند، ثانیاً خودشان مسئولیت محتوای عرضه‌شده را بر عهده گرفته‌اند و فرمان کار را در دست دارند، اما متأسفانه در این زمینه هیچ آموزش و اطلاعی ندارند و نمی‌دانند که خلق، ارائه و انتشار هر کلمه، ایده، دیدگاه و ... نیازمند علوم مقدماتی، تحقیق درباره سلیقه و زیبایی‌شناسی مخاطب با هدف جذب و نه پاشیدن آگاهی از تبعات اجتماعی و حقوقی کار است و اگر می‌خواهند جدی گرفته شوند و در دنیای جدید حرفی برای گفتن داشته باشند و به تعبیر خود بلاگرها «چهره‌مشهور» شوند، باید به امر آموزش، اهمیت ویژه‌ای بدهند. در حال حاضر به‌نظر می‌آید که حکمرانان فرهنگی ما هم باید تمهید و تدبیری در این زمینه داشته باشند؛ چنانچه آموزش، پژوهش و تبیین جدی گرفته شود، کاربر خلاق و پرتحرک ایرانی که عمدتاً از نسل جدید و تازه‌نفس است، نه تنها هویت، تمدن و باورش را از معرض دستبرد دیگران دور نگه می‌دارد، بلکه به عنصری تأثیرگذار در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تبدیل می‌شود. کاربری که اینترنت را در حد و بضاعت خودش، مدیریت کند و بر حفظ سبک زندگی‌اش هم پافشاری منطقی داشته باشد، وقتش رسیده که دست بلاگرهای پرانگیزه و جوان را بگیریم و توانمندی ایران و ایرانی را در این عرصه هم به رخ دنیا بکشیم!



اینترنت در روزگار ما چترش را به گونه‌ای گسترانده که بعید نیست در آینده جای نزدیکان و دوستان را بگیرد و نوعی انزواطلبی و گوشه‌گیری مدرن را در زندگی شهروندی ترویج کند. وقت‌گذرانی‌های طولانی‌مدت در فضای مجازی به خداحافظی با فعالیت‌های متنوع و ارزش‌های پیشینه‌مند اجتماعی منجر شده و در نتیجه، پیوندهای اجتماعی رنگ باخته است. این اتفاق در قدم اول، کانون خانواده را هدف قرار می‌دهد و البته شاید یکی از دلایل بروز این اتفاق تلخ، افراط و تفریط در این وادی باشد، اما اگر از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی استفاده هدفمند صورت گیرد، آسیب و ضرر قطعاً کاهش خواهد یافت. یکی از ویژگی‌های فضای مجازی، میدان دادن به کاربر از هر نژاد و سن و سال و جنسیت، با هر میزان آگاهی اجتماعی، بینش و بضاعت فرهنگی و دانش فردی است. شرط اصلی و البته ظاهری، داشتن یک گوشی با قابلیت اتصال به اینترنت است و بقیه‌اش به خود کاربر و فرصت و هزینه‌ای که برای این کار صرف می‌کند بستگی دارد؛ ورود به گروه‌های مختلف در پیام‌رسان‌ها، نوشتن پیام، بارگذاری ویدئو و عکس، ارسال یا دریافت مطلب و خبر، ارتباط با کانال‌ها و ... روی هم رفته، فرصت «دید شدن» را برای کاربر فراهم می‌کند و او را می‌تواند تحت شرایطی، تا حد یک «رسانه» با دنبال‌کنندگان محدود یا حتی نامحدود هم پیش ببرد! «جوانان» و «نوجوانان» کاربران جدی و پروپاقرص فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هستند. طبیعی است این فضا که یکی از بزرگ‌ترین شاخصه‌های آن امکان «دید شدن» و «شنیده شدن» در سطحی وسیع است، به علایق شخصی کاربر پرتازری گره می‌خورد و او را سوار موج می‌کند. اگر فرد ضعیف باشد، رفته‌رفته، افکار و عقاید و احساساتش تحت کنترل قرار می‌گیرد و به آنها جهت می‌دهد؛ در مرحله بعد، تغییر رفتار اجتماعی اتفاق می‌افتد و تا دست‌اندازی در باورهای اعتقادی و تمدنی و تضعیف و تخریب هویت ملی که مصداق «نزاع نرم» است، جلو می‌رود اما کاربر قوی با پشتوانه علمی، فرهنگی و تمدنی به جای آن‌که خط بگیرد و تأثیر بپذیرد، خط می‌دهد، تأثیر می‌گذارد و کاربران دیگری را نیز با خود همدل و همراه

#### نگاه

حمید هنرجو | شاعر و پژوهشگر فرهنگی

#### یادداشت

علی بخشی‌زاده | معاون صدای رسانه ملی

### رادیو رسانه مردمی و مقوم سرمایه اجتماعی

دسترسی آسان و سهولت در استفاده، سرعت بالای انتقال اطلاعات و نیز ظرفیت بالای جلب اعتنا و تعامل مخاطب با خود، رسانه رادیو را هم‌چنان جدی و تپنده و مؤثر و معتمد، معرفی می‌کند. از این‌رو، عجیب نیست که به‌رغم گذشت هشت‌دهه از تولد رادیو در کشورمان، این رسانه به‌شکلی مستمر، باصدایی گرم و ماندگار، همنشین و مونس و یار ایرانیان است. رادیو، به‌واقع رسانه‌ای متعلق به مردم است و برای افزایش حداکثری مخاطب خود، همواره در تب‌وتاب و تلاش حرفه‌ای و صادقانه است. هم از این‌روست که شنیدن صدای مردم عزیز، افزایش ارتباط با شنوندگان گرامی، تعاملی شدن برنامه‌ها و برنامه‌سازی براساس نیاز، مطالبات، خواست و ذائقه مخاطب، هدفی والا، جدی و ناگزیر محسوب می‌شود. بنابراین برای دریافت دیدگاه شنوندگان رادیو و بروز جلوه‌ای دیگر از همدلی میان رادیو و مخاطب، در سوم دی ۱۴۰۳، به‌همراه مدیران شبکه‌های رادیویی با حضور در واحد و سامانه ارتباطی ۱۶۲ اداره کل روابط عمومی سازمان، پای حرف مخاطبان نشستیم و شنونده دیدگاه‌های گوناگون و ارزنده مردمی شدیم. صد‌ها نفر از مخاطبان، از اقصای مختلف در جامعه، به صورتی روشن و بی‌تکلف، طیف متنوعی از انتقادهای، پیشنهادها و مطالبات به‌حق خود را مستقیماً با مدیران رادیو کشورشان در میان گذاشتند. این رخداد، تصویری شفاف از رویکردی بدیع و مثمر‌تر است که تکرار آن، حتماً موجب تقویت جایگاه اجتماعی رادیو و نماد ارتباط مردم و رادیو به‌شمار می‌آید. بی‌گمان در طول چهار دهه گذشته، رادیو نشان داده و ثابت کرده که از مهم‌ترین دستگاه‌های تولید سرمایه اجتماعی برای صیانت از ارزش‌های ملی و انقلاب و نظام اسلامی است و سهمی در صیانت از فرهنگ دینی و میهنی دارد. مردم از پیش تاکنون و در بستر نگاه خاطره‌انگیز و همدلانه خود به این رسانه سنتی، رادیو را باور دارند و می‌دانند از آنجا که صدا در حافظه تاریخی این سرزمین ماندگار است، می‌توانند همواره بازتاب دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های خود را در بطن رسانه شنیداری‌شان بشنوند. اهالی رادیو می‌دانند که مخاطب امروز، آگاه و هوشمند است و رصدکننده دقیقی است که پیام و مطالباتی جدی دارد. از این جهت، مردم‌محوری در نظام برنامه‌سازی و حرکت از تولیدات یک‌طرفه به‌سوی آثار دوطرفه و تعامل با نظر مخاطب، موضعی لازم و کارآمد است و شنیدن و بهره‌گیری از صدای شنونده ازسوی مدیران صف تا برنامه‌سازان، در این رسانه اقدامی ضروری قلمداد می‌شود. ما رادیو را خانه مردم و متعلق به آنان می‌دانیم که باید پاسخ‌دهنده نیازها و هم‌قدم با مسائل آنها در عرصه‌های موضوعی «سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فناوری، زیست محیطی، فرهنگی و معرفتی و...» باشد. باید تأکید کرد امروزه افتخار بزرگی است که همه اقشار ملت ایران در همه جای کشور شنونده صدای رسانه ملی هستند. رسانه ملی نیز بر آن است که به‌منظور احترام به مخاطبان و حفظ سرمایه کلان عمومی خود و به سهم خود، تحقق کامل عدالت رسانه‌ای، جدی‌تر از همیشه، چالش‌های سخت‌افزاری در مسیر انتشار امواج خود در تمام نقاط کشور عزیزمان را برطرف سازد. جا دارد یک بار دیگر با یادآوری لزوم استمرار ارتباط اهالی رادیو با مردم، قدردانی خود را از شنوندگان رادیو بابت اعتماد و همگامی با رسانه و خدمت‌گزاران‌شان در عرصه بزرگ رسانه ملی اعلام دارم و از این حیث شاکر خداوند متعال باشم. ما باز هم گوشه‌ای برای شما و رسانه‌های برای صدای شما می‌ایم!

